

متن پرسش

سلام استاد عزیز: از وقتی که فرمودید جدی باش سعی می‌کنم اوقاتم را با قیام و جهاد ناقصی در حد خودم داشته باشم تا دچار بی‌تاریخی نشوم؛ اما مانع است که پشت سر هم پیش می‌آید، همه می‌گویند داری زیاده روی می‌کنی نیش و کنایه می‌شنوم، همسر و مادر و پدر و خانواده ام درکم نمی‌کنند و واقعا برایم مانع شده اند، حرفشان را دیگر اصلا نمی‌فهمم. خدا شاهد است دیگر کلاس درس نمی‌توانم بروم و کلام و اعتقادات اسلامی را بشنوم، پای هر منبری نمی‌توانم بنشینم، حرف مردم برایم عجیب و غریب شده که مثلا می‌گوید موز شد کیلویی ۵۰ تومن، استاد خدا می‌داند خسته‌ام، نمی‌توانم دیگر وارد دنیای آنها شوم و نمی‌خواهم وارد دنیایشان شوم. آنها هم به دنیای من نمی‌آیند هرچه دعوتشان می‌کنم، با همسر در یک خانه‌ایم، او می‌گوید غرب من می‌گویم شرق! چه کنم استاد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این مورد باید به فضائلی که تحت عنوان «مداراة النَّاسِ» در آموزه‌های دینی ما مطرح شده است، نظر کنید. از رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» داریم که می‌فرمایند: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ؛» پروردگارم، همان گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است. و نیز می‌فرمایند: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ؛» عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند. موفق باشید